

حرف اول

تصویرگر: حدیثه قربان

ماهی به من گفت

گفتم: ماهی قرمز، دهن گلی، پیرهن پولکی، کجا می روی؟
گفت: می روم تو سفره‌ی هفت‌سین بشینم، سیر و سماق و سمنو،
سنجد و سیب و سرکه را ببینم.

گفتم: بگو ببینم، ماهی هفت‌سین می شوی؟
گفت: اگر بشوم، عید که تمام شد، چه کار می کنی؟
گفتم: می برمت کنار آب روان. می اندازمت توی آن.
گفت: پس زود مرا بخر، به خانه ببر.

گفتم: می خرمت، می برمت، ماهی سرخ کوچک.
عید من و تو و همه مبارک!